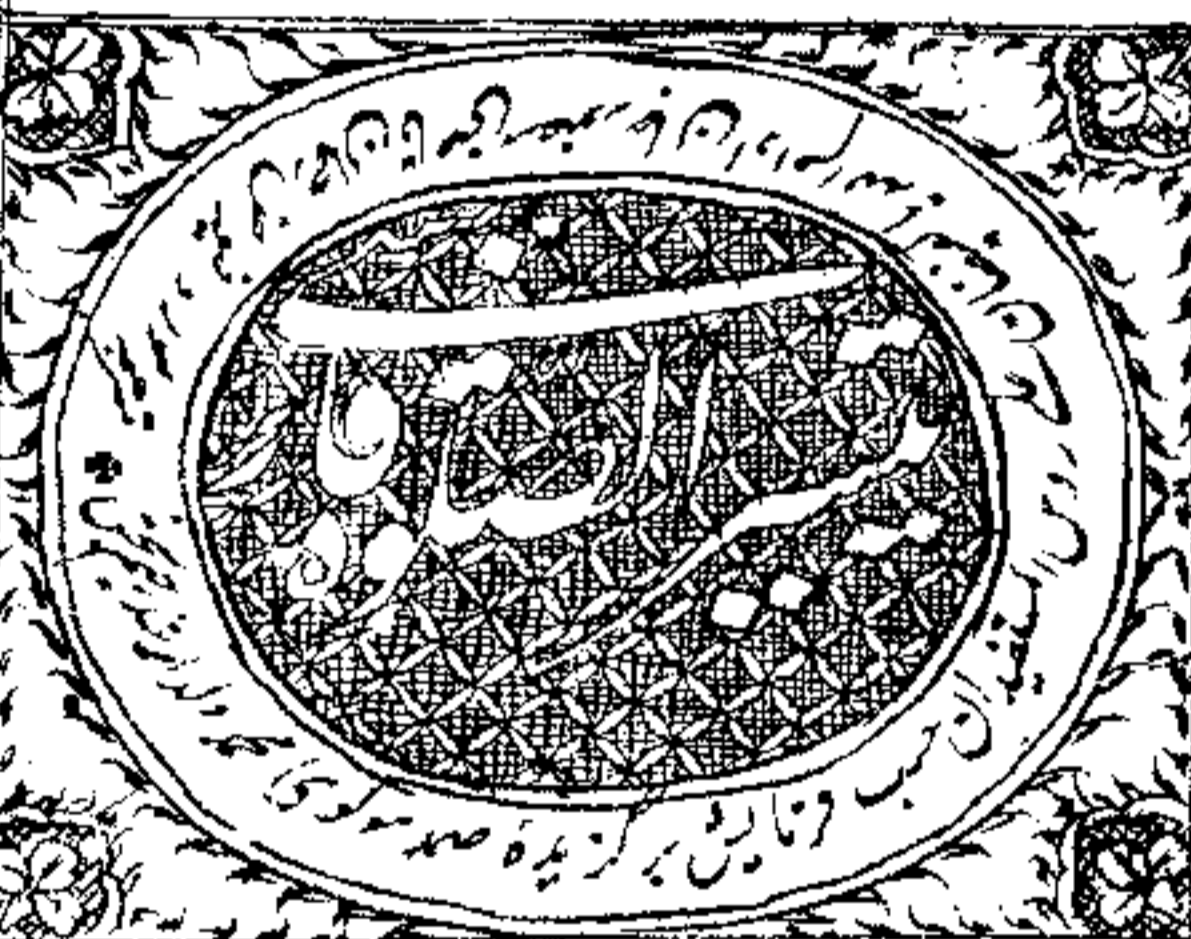


اَبِمْوَا وَ الصَّلٰوةِ لَكُمْ وَاٰمِنِ الْمُسْلِمِيْنَ

بعون الله المشان ودين اوان نفيض اقتران فايده بخش عوام رساله سمی



مردون قلند بخش سوداگر با سهام تاجران نامی فقیر الله به عبد الغرز و احسان

مَطْعَمٌ كَلَّا انْظُرْ كَرَفَتْ  
وَالْاَمِنْ هُوَ يَدْرِ





بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 والصلاة والسلام على سيدنا محمد  
 وآله الطيبين الطاهرين  
 من بعد الانبياء والمرسلين  
 أما بعد  
 فإني أفتي بما يلي

شاه عبدالعزیز دہلوی علیہ الرحمۃ کہ درہ ہی از مقدمہ ایان منہیب صحیحی بوده اند ایشان جوابات  
 سوالات عشرہ نوشته اند و آن جواب سوال درہ ہند و ن شہدوت خلاصہ اش لیسنت کہ درین  
 دیا و ر حق آب سائل شہورہ تنقیہ عمل نمودن بسیار مشکل میشود و موجب تفسیر و تحقیق ارتقا  
 دین میگردد و لهذا اجابت کہ درین باب عمل بر قول دیگر علماء کہ موافق حدیث صحیح نمونود شود  
 و در دل سچ و سوسہ و شک نیارند و آن سلسلہ نیست کہ اگر آب مقدار قلتین کم باشد با بقا و ن سخا  
 ہر آن سخن میشود و اگر مقدار قلتین یا زیادہ باشد با بقا و ن نجاست در آن سخن نمیشود چنانکہ در  
 رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم اندک از آنگان قلتین کہ در محجل الخبثت آب چہن باشد و قد شد  
 نجاست اگر آنکہ از نجاست بویاز نک یا فرہ آب تغیر کرد کہ آن زمان ہر قدر آب کہ باشد نجس کرد  
 و آنہ آب با یکشید تا کہ رنگ بود و مزہ نجاست نماند فصل در بیان نجاست مسک  
 و غسل سہ بار بر بدن آب خنجر سبب و اگر آب کم باشد یا در زیادہ سخن آن بسیار تکلیف یا  
 بود یکبار بر تمام بدن یا بقدر آب خنجر تا کہ چند قطره از بدن بریزد و یکبار بر منہ و دست  
 کند رض غسل داشت و درین آن وضو ہم اد اشود سلسلہ در وضو یکبار دو و ہر دو دست تا  
 آریخ دہر دو پا تا آشتا آنگا قدر شستن کہ چند قطره از آن بریزد و مسح کردن ضرورت است  
 ہشستین سنت است مسک نہت کردن غسل و وضو زبان حدیث ملایان خام آنرا  
 خراج کردہ اند عجیب کہ شیشستن روی دہر دو و ہر دو پا بعد از شہیدہ اند بقدر  
 نمی فهمند کہ نیت تعلق بدیل دارند زبان اگر زبان گفتن لازم میبود از آنحضرت صلعم و یا آن  
 صحابہ و تابعین یا ایما کہ بعدین منقول میشد پس فلیس در ابتدای وضو غسل بسیم الحمد گفتن یا کہ  
 فرید در احادیث صحیحہ آیدہ حافظت بر آن لازم است مسکہ اگر آب حاضر نباشد یا در استعمال  
 آن خوف ضرر باشد بلا تامل بجا غسل یا وضو تمیز کند و ہرچ شک و سوسہ دل نیارند کہ

این حدیث صحیح است  
 و اگر آب کم باشد  
 یا در زیادہ سخن  
 آن بسیار تکلیف  
 یا بود یکبار  
 بر تمام بدن  
 یا بقدر آب  
 خنجر تا کہ  
 چند قطره  
 از بدن بریزد  
 و یکبار  
 بر منہ و دست  
 کند رض غسل  
 داشت و درین  
 آن وضو ہم  
 اد اشود  
 سلسلہ در  
 وضو یکبار  
 دو و ہر دو  
 دست تا  
 آریخ دہر  
 دو پا تا  
 آشتا آنگا  
 قدر شستن  
 کہ چند  
 قطره از  
 آن بریزد  
 و مسح  
 کردن  
 ضرورت  
 است ہشستین  
 سنت است  
 مسک نہت  
 کردن  
 غسل و  
 وضو زبان  
 حدیث  
 ملایان  
 خام آنرا  
 خراج  
 کردہ  
 اند  
 عجیب  
 کہ  
 شیشستن  
 روی  
 دہر  
 دو  
 و  
 ہر  
 دو  
 پا  
 بعد  
 از  
 شہیدہ  
 اند  
 بقدر  
 نمی  
 فهمند  
 کہ  
 نیت  
 تعلق  
 بدیل  
 دارند  
 زبان  
 اگر  
 زبان  
 گفتن  
 لازم  
 میبود  
 از  
 آنحضرت  
 صلعم  
 و  
 یا  
 آن  
 صحابہ  
 و  
 تابعین  
 یا  
 ایما  
 کہ  
 بعدین  
 منقول  
 میشد  
 پس  
 فلیس  
 در  
 ابتدای  
 وضو  
 غسل  
 بسیم  
 الحمد  
 گفتن  
 یا  
 کہ  
 فرید  
 در  
 احادیث  
 صحیحہ  
 آیدہ  
 حافظت  
 بر  
 آن  
 لازم  
 است  
 مسکہ  
 اگر  
 آب  
 حاضر  
 نباشد  
 یا  
 در  
 استعمال  
 آن  
 خوف  
 ضرر  
 باشد  
 بلا  
 تامل  
 بجا  
 غسل  
 یا  
 وضو  
 تمیز  
 کند  
 و  
 ہرچ  
 شک  
 و  
 سوسہ  
 دل  
 نیارند  
 کہ

بسم الله الرحمن الرحيم  
 الحمد لله رب العالمين  
 والصلاة والسلام على سيدنا محمد  
 وآله الطيبين الطاهرين  
 من بعد الانبياء والمرسلين  
 أما بعد  
 فإني أفتي بما يلي

حی سجاذه و تعاقبین مقرر کرده بعضی سوهایان حاصل نماز اگر ستون دست ترک میکنند بجز  
 مثل ششم نمیکند و پیش حیالت محض است بعضی ناهمان چنین موضع که قلت آب غیر آن  
 باشد ترک نماز سجاذه و چون کند بجا آنکه از تیمم تکمیل ایشان نمیشود و این دو سوس صورت  
 اینقدر منیدند که طهارت فقط از شمال حکم حق سجاذه و تعاقب حاصل میشود آب باشد یا نجاک  
 مسئله نماز سجاذه اگر تیار باشد بر ضرورت سرعت تیمم در سجاذه است اگر چه آب حاضر بود  
 در جایی که نجاست محسوس نشود و زمین باشد یا گناه یا جاسد یا بوری یا مستعمل در خانه بران نماز خوان  
 جائز است مسئله جانیکه نجاست دیده شود از ان قدری بر طرف شده نماز خواندن جائز است  
 و اینکه بعضی سوهایان عادت است که کوزه و نحو و جامهای نماز و نعلین بوریایی نماز هر یک یک  
 جدا باقی طهارت نگارند این همه عیب است و باعث گران کردن ترک کنانیدن نماز است حضرت  
 و سلم و صحابش هیچ از این سوات نگرفته اند اگر این اسوات از جهات طهارتین میبودند سجا  
 با حضرت صحابش میبود مسئله طفل تا آنکه شیر خوار است شستن جاریز پوش ضرورت است اگر  
 باریه صغیره باشد شستن جاریز پوش ضرورت است حضرت صحابش فرموده <sup>است</sup> اما یغسل من ثوبی لانه  
 و یغسل من ثوبی لانه لکن باین منیت که جاشسته میشود از بول صغیره و آب در میشود از بول  
 صغیره یعنی بر بول صغیره ضعیف یک غزوه از آب باشد شود فقط مسئله سقار در هم از بول  
 و دیگر نجاست نمایند سعادت در بدن باشد یا جاسد مسئله بول حیوان یا کول اللحم تاریخ  
 سعادت مسئله پس افکنده بر طایر که بوی ندارد مانند باز و جره پاکست مسئله  
 اگر بعد از بول فایده بکلوخ یا آب ستنجا کرد کفایت کند و استعمال کلوخ و آب هر دو  
 فرض منیت مسئله اگر بعد از ستنجا خوف آمدن قطره بول باشد یک غزوه آب بر یا بجا  
 زیر ناف باشد هر گاه چیزی طوبت معلوم شود گوید که این طوبت آن است که پاشیده

این مسئله در بعضی نسخ  
 آمده است و در بعضی  
 نسخ نمانده است  
 و در بعضی نسخ  
 آمده است که اگر  
 در جایی که نجاست  
 محسوس نشود و زمین  
 باشد یا گناه یا جاسد  
 یا بوری یا مستعمل  
 در خانه بران نماز  
 خواندن جائز است  
 و اینکه بعضی سوهایان  
 عادت است که کوزه و  
 نحو و جامهای نماز  
 و نعلین بوریایی نماز  
 هر یک یک جدا باقی  
 طهارت نگارند این  
 همه عیب است و باعث  
 گران کردن ترک  
 کنانیدن نماز است  
 حضرت و سلم و  
 صحابش هیچ از این  
 سوات نگرفته اند  
 اگر این اسوات از  
 جهات طهارتین  
 میبودند سجا با  
 حضرت صحابش  
 میبود مسئله طفل  
 تا آنکه شیر خوار  
 است شستن جاریز  
 پوش ضرورت است  
 اگر باریه صغیره  
 باشد شستن جاریز  
 پوش ضرورت است  
 حضرت صحابش  
 فرموده اما یغسل  
 من ثوبی لانه  
 و یغسل من ثوبی  
 لکن باین منیت  
 که جاشسته  
 میشود از بول  
 صغیره و آب در  
 میشود از بول  
 صغیره یعنی بر  
 بول صغیره  
 ضعیف یک غزوه  
 از آب باشد  
 شود فقط مسئله  
 سقار در هم از  
 بول و دیگر  
 نجاست نمایند  
 سعادت در بدن  
 باشد یا جاسد  
 مسئله بول  
 حیوان یا کول  
 اللحم تاریخ  
 سعادت مسئله  
 پس افکنده بر  
 طایر که بوی  
 ندارد مانند  
 باز و جره  
 پاکست مسئله  
 اگر بعد از بول  
 فایده بکلوخ  
 یا آب ستنجا  
 کرد کفایت  
 کند و استعمال  
 کلوخ و آب هر  
 دو فرض منیت  
 مسئله اگر بعد  
 از ستنجا خوف  
 آمدن قطره  
 بول باشد یک  
 غزوه آب بر یا  
 بجا زیر ناف  
 باشد هر گاه  
 چیزی طوبت  
 معلوم شود  
 گوید که این  
 طوبت آن است  
 که پاشیده

اگر در نماز سجاذه و تعاقبین مقرر کرده بعضی سوهایان حاصل نماز اگر ستون دست ترک میکنند بجز مثل ششم نمیکند و پیش حیالت محض است بعضی ناهمان چنین موضع که قلت آب غیر آن باشد ترک نماز سجاذه و چون کند بجا آنکه از تیمم تکمیل ایشان نمیشود و این دو سوس صورت اینقدر منیدند که طهارت فقط از شمال حکم حق سجاذه و تعاقب حاصل میشود آب باشد یا نجاک مسئله نماز سجاذه اگر تیار باشد بر ضرورت سرعت تیمم در سجاذه است اگر چه آب حاضر بود در جایی که نجاست محسوس نشود و زمین باشد یا گناه یا جاسد یا بوری یا مستعمل در خانه بران نماز خواندن جائز است مسئله جانیکه نجاست دیده شود از ان قدری بر طرف شده نماز خواندن جائز است و اینکه بعضی سوهایان عادت است که کوزه و نحو و جامهای نماز و نعلین بوریایی نماز هر یک یک جدا باقی طهارت نگارند این همه عیب است و باعث گران کردن ترک کنانیدن نماز است حضرت و سلم و صحابش هیچ از این سوات نگرفته اند اگر این اسوات از جهات طهارتین میبودند سجا با حضرت صحابش میبود مسئله طفل تا آنکه شیر خوار است شستن جاریز پوش ضرورت است اگر باریه صغیره باشد شستن جاریز پوش ضرورت است حضرت صحابش فرموده اما یغسل من ثوبی لانه و یغسل من ثوبی لکن باین منیت که جاشسته میشود از بول صغیره و آب در میشود از بول صغیره یعنی بر بول صغیره ضعیف یک غزوه از آب باشد شود فقط مسئله سقار در هم از بول و دیگر نجاست نمایند سعادت در بدن باشد یا جاسد مسئله بول حیوان یا کول اللحم تاریخ سعادت مسئله پس افکنده بر طایر که بوی ندارد مانند باز و جره پاکست مسئله اگر بعد از بول فایده بکلوخ یا آب ستنجا کرد کفایت کند و استعمال کلوخ و آب هر دو فرض منیت مسئله اگر بعد از ستنجا خوف آمدن قطره بول باشد یک غزوه آب بر یا بجا زیر ناف باشد هر گاه چیزی طوبت معلوم شود گوید که این طوبت آن است که پاشیده

و سوطا ذکر است عن صدقة ابن زید قال سألت سلیمان بن ابی یسار عن البطل الحاکم  
قال انظر ما تحت ثوبك بالملء وبكده تسلمه بنی بید گفته که سوال کرده ام سلیمان بن  
یسار را از رطوبتی که مییافتم از گفت که پایشن بر جای خود را بایست بگذارد و فصل در بیان آن  
تمام مسئله اگر وقت نماز کوتاه باشد یا در کدام کاری ضرور مشغول باشد که بدون آن کار گذارد  
شکل بود یا صلی شیخ بسیار ضعیف باشد یا بیوقوف بود که او مجبیه نماز و قرات قرآن بسیار  
ندانند نماز را مختصر خواند مگر ترک صلا نماند و طریقه اختصارش اینست که یک رکعت را بعد از آنکه  
صغیره خوانده رکوع و سجود سبحان را بگوید سبحان الحمد و بجد و یا سبحان بعد فقط  
خوانده در بقعه بعد خواندن تشهد سلام در مسئله اگر مسئله نو مسلم است یا احمق تا خواندن  
محض است و بنال امام قد کرده در حرکات امام از قیام رکوع و سجود قومه و جلوس تشهد  
نماید و اگر نماز امام نیاید بطوریکه تواند در قیام رکوع و سجود نام حق سبحانه و دعا را یاد کند مگر ترک هرگز  
نکند فرموده است رسول الله <sup>صلی الله علیه و آله</sup> اذا قلت علی الصلوة فوضعا كما امرك الله ثم تشهد قائما  
فان كان معك قران فاتر و اكل فاحمد الله و ابره و هله ثم ارفع چون سوره شریفی بخواند  
نماز خوبین چنانکه امر کرده است تعالی پس از آن بگو پس قانتسکن پس اگر باشد یا در آخر از  
قرآن بخوان <sup>سوره</sup> انزلنا الاحمد بگو خدا تعالی بگوید و الا الا الحمد بگو پس رکوع کن مسئله نماز  
خواندن زنان بجماعت بخوید یکی از ایشان امام شود و دیگران وقت کنند که دست الا زنی که آن  
نماز نمی آید بعد از آنکه نماز خوان نماید و چون نماز را آمنت بعد از آن بعد از آنجا خواند  
مسئله اگر بنا بر طاعت قیام نماند در گذشته نماز بخواند و اگر طاعت ششستین تمامند و قیام  
باشاره نماز گزار و مگر تا که سلب کس پس پوش نشد نماز هلاک کند مسئله در بیان نماز  
سافر مسئله سافر نماز ظهر و عصر و عشاء و دو رکعت گذارد و نماز فجر و شام برابر گذارد مسئله

قال انظر ما تحت ثوبك بالملء وبكده تسلمه بنی بید گفته که سوال کرده ام سلیمان بن یسار را از رطوبتی که مییافتم از گفت که پایشن بر جای خود را بایست بگذارد و فصل در بیان آن تمام مسئله اگر وقت نماز کوتاه باشد یا در کدام کاری ضرور مشغول باشد که بدون آن کار گذارد شکل بود یا صلی شیخ بسیار ضعیف باشد یا بیوقوف بود که او مجبیه نماز و قرات قرآن بسیار ندانند نماز را مختصر خواند مگر ترک صلا نماند و طریقه اختصارش اینست که یک رکعت را بعد از آنکه صغیره خوانده رکوع و سجود سبحان را بگوید سبحان الحمد و بجد و یا سبحان بعد فقط خوانده در بقعه بعد خواندن تشهد سلام در مسئله اگر مسئله نو مسلم است یا احمق تا خواندن محض است و بنال امام قد کرده در حرکات امام از قیام رکوع و سجود قومه و جلوس تشهد نماید و اگر نماز امام نیاید بطوریکه تواند در قیام رکوع و سجود نام حق سبحانه و دعا را یاد کند مگر ترک هرگز نکند فرموده است رسول الله <sup>صلی الله علیه و آله</sup> اذا قلت علی الصلوة فوضعا كما امرك الله ثم تشهد قائما فان كان معك قران فاتر و اكل فاحمد الله و ابره و هله ثم ارفع چون سوره شریفی بخواند نماز خوبین چنانکه امر کرده است تعالی پس از آن بگو پس قانتسکن پس اگر باشد یا در آخر از قرآن بخوان <sup>سوره</sup> انزلنا الاحمد بگو خدا تعالی بگوید و الا الا الحمد بگو پس رکوع کن مسئله نماز خواندن زنان بجماعت بخوید یکی از ایشان امام شود و دیگران وقت کنند که دست الا زنی که آن نماز نمی آید بعد از آنکه نماز خوان نماید و چون نماز را آمنت بعد از آن بعد از آنجا خواند مسئله اگر بنا بر طاعت قیام نماند در گذشته نماز بخواند و اگر طاعت ششستین تمامند و قیام باشاره نماز گزار و مگر تا که سلب کس پس پوش نشد نماز هلاک کند مسئله در بیان نماز سافر مسئله سافر نماز ظهر و عصر و عشاء و دو رکعت گذارد و نماز فجر و شام برابر گذارد مسئله

اگر در وقت نماز باشد

تا آنکه زوال

سازد صبح برهوزه سه بار روز کند مسلمة شیخ عمر که در یک مظهر منقش در حق المذهب معتقد می باشد  
می باشد فتویٰ بجمع نمودن نماز ظهر و عصر و مغرب عشا و سفر و ادو اند و نقل آن فتویٰ استان  
هم مشهور است در حدیث صحیح هم وارد شده کان النبی صلی الله علیه و آله فی غزوة بئولاد انصار  
الشمس قبل ان یتمتع بجمع بینه الطهر و العصر و قبل ان یزیغ الشمس احسن الظاهر  
حتى ینزل للعصر فی المغرب مثل ذلك اذا غابت الشمس قبل ان یتجمع بین المغرب  
و العشاء و اذ انما قبل ان تغیب الشمس احسن المغرب حتى ینزل للعشاء ثم جمع  
بینهما رواه ابو داود و الترمذی بود ندنی صلعم در جنگ تبوک که چون زوال میکرد و آفتاب  
پیش از کوچ کردن جمع تقدیم میکردند میان نماز ظهر و عصر و اگر کوچ میکردند قبل از زوال آفتاب  
تا آخر ظهر تا آنکه زوال میکردند برای نماز عصر و در غرب همچنان میکردند که اگر غروب میکرد و آفتاب  
پیش از کوچ کردن جمع تقدیم میکردند و نماز مغرب عشا و اگر کوچ میکردند قبل از مغرب تا آخر وقت  
نماز مغرب تا آنکه زوال میکردند بر آن نماز عشا پس جمع تا آخر میکردند بسیار هر دو نماز مسلمة  
طریق جمع کردن نماز است که در وقت ظهر اول دو رکعت فرض ظهر بخواند بعد از آن دو رکعت  
فرض عصر بخواند و در وقت مغرب اول سه رکعت فرض مغرب بخواند بعد از آن دو رکعت فرض عشا  
بخواند این اجمع تقدیم گویند و طریق دوم آنکه در وقت عصر اول دو رکعت فرض ظهر خوانده بعد از آن  
فورا دو رکعت فرض عصر بخواند و در وقت عشا اول سه رکعت سفر خوانده بعد از آن فورا دو رکعت  
فرض عشا بخواند این طریق را جمع تاخیر گویند طریق اول تبرست و طریق دوم نیز جایز است و اول  
این شیخ عمر فتویٰ که از درختد و غیره در وقت خود نوشته اند مسلمة اگر بچه خورد بهمه کسی  
عادت پذیرفته باشد که از دوش آغوش آنکس فرود نمی آید بچه سار باشد نماز خواندن او صحیح است  
ست عن ابی قتادة قال رآه النبي صلعم يوم الناس وامامة بئولاد انصار

اگر در وقت نماز باشد  
تا آنکه زوال  
اگر در وقت نماز باشد  
تا آنکه زوال  
اگر در وقت نماز باشد  
تا آنکه زوال  
اگر در وقت نماز باشد  
تا آنکه زوال



فاعلم ان صلاة  
 اربع ركعات  
 في كل وقت  
 من غير ان  
 يكون في وقت  
 واحد  
 واما ما ذكره  
 في بعض النسخ  
 من ان صلاة  
 ركعتين  
 في وقت واحد  
 جائزة  
 فانها  
 جائزة  
 في كل وقت  
 من غير ان  
 يكون في وقت  
 واحد  
 واما ما ذكره  
 في بعض النسخ  
 من ان صلاة  
 ركعتين  
 في وقت واحد  
 جائزة  
 فانها  
 جائزة  
 في كل وقت  
 من غير ان  
 يكون في وقت  
 واحد

على عاقبة فاذا ركع وضعها واذا ركع ركعتين من الشجيرة احادها ان قنوه من  
 فرسوه كدبهم صلعم را که ایست میگردند مردم او اما نه خرابی العاص بر بوش کهنه بیجا  
 بود چون کوع میگردند و در نماز و چون سر از سجده برداشته باز بر بوش میگردند او  
 مسئله اگر خوف دشمن بسیار باشد در حالت سوگند بر سر پیاده او رفتن نماز بخواند اگر چه  
 بطرف قبله نباشد این سیل شریل صلوة از نیت نوشته شده که در هر چو وقت از اوقات خوف  
 و مرض سفر و غیره ضروریات هما المکن نماز ترک نشود که در ترک نماز لغو باشد مگر کمالی است  
 و چون از مرض سفر و خوف دشمن فارغ الیبال باشد پس نماز را حتی لمقدور مع سنن و تبت  
 قرارت سنن و آداب استجابتش بخواند که بغیر از موباش ضرورت ترک سنن و آداب نماز  
 خیل نقصان در نماز آوردن حق سبحانه و تعالی فرموده فان یختم قرحالا او سر کبانا فاذا  
 امنتم فاذا کونوا لله کما علیکم مما کونوا تعلمون پس اگر خوف دارید شما پس  
 بخوانید در حال پیاده رفتن یا سوار رفتن و هر گاه در هر وقت بد از خوف پس بکنید الله تعالی را  
 چنانکه تعلیم کرده شمارا بآنکه میزند و اینکه بعضی از ایشان خام از اختراعات خود هرگز  
 و مکرویات در نماز نوشته اند اینهمه بسیار ساینده عوام از نماز و ترک کنانیدن نماز است از  
 ایشان بعضی گویند که در آمد اگر الف بعد ابا یا اگر کشید کا و کرده و عوام این شنیده و  
 که در ترک نماز است و در خواندن نماز چون در لفظ الله که در و سبب جمال کفر آمد تا آخر نماز  
 ندواند که چندین بار کافر خوانم شد ازین کافر شدن با نماز مسلمان بودن که نماز ضمیمت است با  
 از عوام ازین خوف تبارک نماز شده اند و جماعت حال نیست که این یکبهای مشرعه را از خدا  
 و در رسول صلعم و صحاب و تابعین سلف صالحین فرموده اند که کسی گفتن اینچنین کلمات  
 کرد و ما در میگردید و در آن غلط نگویید و مقصودش آن غلط نباشد و بعضی گویند که بعضی از



گشت ایستاده هر دو دست این بر گوشه رسا و با تمام راه اکسیر هر دو دست بالای یکدیگر  
 بنهد این قیودات دقیقه غیر با سوره از خود کشیده نماز را بر عوام القل الا شیا کرده است  
 که حضور کامل شود و روح صلوات است آنرا اکثر پس پشت از خسته و سکوت عهده ساخته باین  
 لاطایل زیاده تر حجاب نقصان و خلل در حضور نماز شده اند هر یک نماز را بخشوع و حضور نکند  
 بسار او کند و در نماز بسیار تضرع و زکاء و خوف و التجا بجناب رب تعالی شغول باشد نماز کس  
 مقبول تر شود اگر چه با نفس صاف و وضوح نباشد فرموده است حق سبحانه و تعالی **تَقَدَّحُ الْمَشُورِ**  
**الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ تَخَشِعُونَ** تحقیق تنگنا شدند منان آنانکه ایشان در نماز خود  
 اند **فصل** در بیان نمازهای نافله باید دانست که رتبه قبولیت بعد نماز فرضیه نماز تجمعه از زیاده  
 است نسبت دیگر نمازها **عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ**  
**وَأَلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الْمَفْرُوضَةِ صَلَاةٌ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ بِي سِرِّهِ فَمُرُودُهُ**  
 شنیدم رسول الله صلعم را که میفرمودند افضل نماز بعد از نماز فرضیه آن نماز است که در میان  
 خوانده شود وقت این نماز از دو پاس شبست تا طلوع فجر که وقت خلوت و تنهایی و خاطر جمعی  
 میباشد بغیر از حق سبحانه و تعالی که او بیدار میباشد دیگر اکثر الناس آنوقت خواب غفلت  
 میباشد و عا و تضرع و زکاء که نماز نماز است در آنوقت خوبتر میباشد و برین تکلیف شاقه سیر  
 بقیام آنوقت و بر قدر شقت در عبادت زیاده تر باشد مقبول تر باشد فرموده است حق سبحانه  
 و تعالی **إِنَّ تَأْسِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأَةً وَأَوْقَمٌ قَيْدًا بِرَسْمِكَ عِبَادِي كَيْفَ تَأْسِي** شود  
 شب بقیام شب عزت تر است از جهت ریخ و کلفت و رست تر است از جهت تعالی  
 این نماز تجمعه نیز فرض میشود لیکن بسبب کمال شقت و عدم او شدنش از اکثر آن اس  
 معاف نموده شد فرموده است حق سبحانه و تعالی **عَلَىٰ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ**

9



بر ترک و انکار سنن مهم سازند و بعضی کم فہمان چنین گویند کہ نماز فرض از حدیث است سنت  
 از رسول است و در نصیحت و در شرک می افتند اینقدر منید انند کہ جملہ نماز ما و عباد و نما از خدا  
 ست کسی بگیرد آن صلا شریکت نیست بعضی ما فہمان چنین گویند کہ نماز فرض با جمعی  
 سفر صفت شد و نماز سنت همچنان برابر مانده پس زعم اینکس استہام سنن از فرض است  
 معتقد شد و در مختار از ضمرات نقل کرده کہ لا قصر فی السنن لان القصر انما  
 یكون فیما علیہ لایما هو فحیدر فیدر نیست قصر نماز سنت زیرا کہ قصر میباشند در  
 نماز کہ خواندنش لازم و ضروریست و در آن نماز کہ خواندنش لازم و ضروریست و اورا در آن  
 اختیار است اگر خواهد سجد و اگر نخواهد بخواند قصر نیست بعضی مردم با وجودیکہ وقت نماز  
 میباشند بیکہ خوف فوت آن یا اگر بہت آن میباشند در آنوقت ہم شروع در سنت  
 فرض استبہ یا مکروه میسازند و بعضی کساترا کہ کدام کار ضروری پیش آید کہ در آنوقت  
 مثلاً وہ کت معمولی نماز ظهر خواندہ نتوانند چهار کعبت فرض ظهر کہ در خواندنش تقابلی است  
 و در ترکش فوت بہت نیز ترک میکنند و گویند کہ اگر خدا تمیم ہمہ ایکیا جوسیم و اگر ترک کنیم  
 ہمہ ایکیا ترک کنیم این کم فہمان چنین استہاند کہ فرض بی سنت او انیشود برہی سنت  
 فرض ہم ترک کنند مثلش آنکہ کسی اعادت بود کہ علی الدوام مرغ پلا و و کباب جلوی  
 قند سبوز و اتفاقاً یک روز ازین چیز ناہنج بیسر نشد ہر چند او را و دیگر ناہنجین گفتند کہ  
 امروز قناعت بر نان خشک باید کرد کہ موجب تقابلی جہالت باز عند القدرہ مرغ پلا  
 و کباب بخورد لہن تاوان چنین مہیندہ کہ بغیر از پلا و کباب الہ جوع نمیشود و یا اگر سبزی  
 مدت این ہمتها عادت کرده ہم روز چگونہ بر نان خشک صبر کنیم ہمین تاوانی قناعت  
 نان خشک مکروه خود را ہلاک ساخت بعضی مردم در وقت صفت پیری نماز جویم

این کتاب از کتب معتبرہ است  
 در بیان سنن و احوال  
 و در بیان فضائل  
 و در بیان عیوب  
 و در بیان احکام  
 و در بیان عقوبات  
 و در بیان جہنم  
 و در بیان جنت  
 و در بیان احوال  
 و در بیان عیوب  
 و در بیان احکام  
 و در بیان عقوبات  
 و در بیان جہنم  
 و در بیان جنت

می آموزند بعضی اراقل محنت پیشه که اکثر اوقات ایشان صرف محنت و مزدوری بوده  
فرصت زیاده نماز ندارند و زبان ایشان هتقد از زیاده قرارش در باره بشوق چند  
چند بار نماز شروع کرده بسبب گران شدن آن با کفیه بگیرند بچنین مردم اگر گفتار برتر  
کرده در فرض هم گفتار بر فایده یک دوایه صغیره کرده تا هیچ وجه ترک فرض نشود که در حق است  
و نجات از روزی بر آن مرتبت بهتر خواهد بود و این مردم شاید این حدیث صحیح از شنیده اند  
عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ قَالَ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ ذَلِكُنِي عَلَى  
عَمَلٍ إِذَا عَمَلْتُهُ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ قَالَ تَعْبُدُ اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَتُقِيمُ الصَّلَاةَ  
الْمَكْتُوبَةَ وَتُعَدِّي الزَّكَاةَ الْمَقْرُوضَةَ وَتَصُومُ رَمَضَانَ قَالَ وَالَّذِي  
نَفْسِي بِيَدِهِ لَا أُشْرِكُ عَلَى هَذَا شَيْئًا وَلَا أَنْقُصُ مِنْهُ فَلَمَّا وُلِّيَ قَالَ النَّبِيُّ  
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ سَأَلَ أَنْ يُنْظَرَ إِلَى خَيْرٍ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَلْيُنْظَرْ إِلَى  
هَذَا كُنْتُ أَبُو هُرَيْرَةَ رَضِيَ أَنَّ ابْنِ عَبَّاسٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كُنْتُ دَلَّاتُ كَرِيحٍ  
بِرَكَاتِكِ بِرِجَالِكُمْ كُنْتُمْ أَنْزِلُ شَوْمَ دَرَجَتِكُمْ مَغْفِرَةً لَكُمْ عِبَادَتِكُمْ لِمَا تَعْبُدُونَ وَتُرَكِّبُونَ  
مَسَازِيحَ خَيْرِيَا وَبِرِيَا وَنَمَازَ فَرَضِيَا وَادَّكُنْ كَوْتَهُ فَرَضِيَا وَرُزْجَ رَمَضَانَ رَأَى  
كُنْتُ أَنَّ ابْنَ عَبَّاسٍ تَمَسَّتُ بَأَنْفِجَاتِ كِحْيَاتِ بِيَدَاوَسْتِ زِيَادَةً خَوَّاهُمْ كَرْدِ بَرَابَرِ خَيْرِيَا  
رَاوَتَهُ كَمْ خَوَّاهُمْ كَرْدِ زَيْنِ خَيْرِيَا بِسِ حَمِيْنِ رَوَاتَهُ شَدَّانِ ابْنِ عَبَّاسٍ فَرَسُوهُ بِمَغْفِرَةٍ لَكُمْ  
كَمْ خَيْرِيَا كَرْدِ تَنْظُرُ كَرْدِ شَخْصِي أَنْزِلُ سَبْتِ بِسِ يَكْرِي تَنْظُرُ كَرْدِ بَطْرِفِ ابْنِ شَخْصِ عَسْكَرِ  
طَلْحَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ قَالَ جَاءَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ أَهْلِ بَخْلَدِ  
تَأْتِرُ الرَّاسِ شَمْعٌ دُوِيٌّ صَوْبَهُ وَلَا لَقْفَتَهُ مَا يَقُولُ حَتَّى دَنَا مِنْ رَسُولِ  
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَإِذَا هُوَ يُسْتَلُّ عَنْهُ لَا سِلَامَ فَقَالَ سَأَلَ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

سَلَّمَ حَسَنَ صَلَوةٍ فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ فَقَالَ هَلْ عَلَى عَيْرِهِمْ فَقَالَ لَا  
إِلَّا أَنْ تَطْوَع قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَصِيَامَ شَهْرِ رَمَضَانَ  
فَمَا هَلْ عَلَى عَيْرِهِ قَالَ لَا إِلَّا أَنْ تَطْوَع قَالَ ذَكَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ  
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الرُّكُوءَ فَقَالَ هَلْ عَلَى عَيْرِهَا قَالَ لَا إِلَّا أَنْ تَطْوَع قَالَ فَأَدْبَرَ الرَّجُلُ  
وَهُوَ يَقُولُ وَاللَّهِ لَا أَنْزِلُ عَلَى هَذَا شَيْئًا وَلَا أَنْفِصَ مِنْهُ فَقَالَ رَسُولُ  
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَفَلَمْ يَفْعَلِ الرَّجُلُ أَنْ صَدَقَ كَقَوْلِ طَلْحَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَمْرٍو  
يَكُنْ شَخْصٌ تَدْرُسُ لَكَ صَلَوةً مِنْ خَيْرِ رُؤْيَا لَيْدَةٍ مَوْسَمِي شَتِيمِ طُنِينِ أَوْ رِزَاوِ رَاوَنِي مَهْمِيدِمْ  
سَيَكْفِيكَ مَا أَنْكَرَ ذِكْرُكَ شَدِيدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْكَافِ وَالْمَكْرِ وَالْإِرْكَانِ سَلَامِمْ  
رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَحْوِ نَمَازَانِ دَرُورِ وَشَبِمْ بِسْ كَقَوْلِ شَخْصٍ آيَا هَسْتِ بَرَاغِيرِ زَيْنِ فَرَمُودِ  
صَلِيمِ نَسْتِ مَكْرًا أَنْكَرَ نَمَازِ نَقْلِ كَرَامِي فَرَمُودِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَرُورِ مَاهِ رَمَضَانَ بِسْ كَقَوْلِ شَخْصٍ  
آيَا هَسْتِ بَرَاغِيرِ زَيْنِ فَرَمُودِ صَلِيمِ نَسْتِ مَكْرًا أَنْكَرَ رُوزِ نَقْلِ دَارِي كَقَوْلِ طَلْحَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ  
ذَكَرَ دَرُورِ شَخْصٍ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زَكَاةِ رَابِعِي كَقَوْلِ شَخْصٍ آيَا هَسْتِ بَرَاغِيرِ زَيْنِ زَكَاةِ  
فَرَمُودِ صَلِيمِ مَكْرًا أَنْكَرَ نَقْلِ دَارِي كَقَوْلِ طَلْحَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ شَخْصٍ دَرُورِ حَالِيكَ سَيَكْفِيكَ قَسْمِ  
بِحَدِّ تَعَالَى زَايَادَةِ خَوَامِمْ كَرُورِ بَرِينِ جَبْرِ رَاوَنِي خَوَامِمْ كَرُورِ زَيْنِ بِسْ فَرَمُودِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ  
تَحْقِيقِ بَرَاوَرِ شَخْصٍ كَرَامِي كَقَوْلِ شَخْصٍ بَعْضِ مَرُومِ سَنَتِ إِدَامِ دَرُورِ  
مِيخَوَانِدِ بَارِ دَرُورِ جَامِي مِيخَوَانِدِ مَرُومِ وَبَرُورِ أَشْيَانِ سَيَكْفِيكَ زَيْنِ خَوَامِمْ كَرُورِ  
مِيخَوَانِدِ دَرُورِ كَرَامِي كَرُورِ سَيَكْفِيكَ شَخْصِ صَلِيمِ رَاوَنِي سَنَتِ رَاوَنِي مِيخَوَانِدِ بَرِينِ  
أَمْرِي فَرَمُودِ عَنْ كَعْبِ بْنِ مَعْرَةَ قَالَ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَتَى مَسْجِدَ  
بَنِي سَعْدِ الْأَسْفَلِ فَصَلَّى فِيهِ الْعَرَبِ فَلَمَّا قَضَى صَلَوةَهُمْ قَامَ النَّاسُ

۱۳۰







قال في الخبر  
 من مات من غير  
 عمل صالح  
 لم يبق له  
 حظ من الجنة  
 ولا من النار  
 الا ما كان  
 له من  
 عمل صالح  
 في الدنيا  
 واما قوله  
 في قوله  
 من مات  
 من غير  
 عمل صالح  
 لم يبق له  
 حظ من الجنة  
 ولا من النار  
 الا ما كان  
 له من  
 عمل صالح  
 في الدنيا  
 واما قوله  
 في قوله  
 من مات  
 من غير  
 عمل صالح  
 لم يبق له  
 حظ من الجنة  
 ولا من النار  
 الا ما كان  
 له من  
 عمل صالح  
 في الدنيا

خایف وهرهان شود و خیال کند که این سیت قبل ازین حال در چه خیالهای گوناگون  
 تدبیرات و تدبیرات ذوقش مشغول میبود چه انواع هنر اطا هر نمود از موت چگونه زلف  
 و اندیشه میکرد از ادنی تکلیف و ریج چگونه هتیباب نمیدو مال و متاع دنیوی البسیا  
 عزیز سیدشت احوال چگونه در مانده و لاجار محض افتاده همه آرزوهایش تباه شده  
 از خویش بیگانه وزن فرزند و خانه منقطع گشته ما هم محقریم همین حال در پیش است  
 حق نیست که همه قدرت و توانمانی و عظمت و کبریائی او سبحانه تعالی است و عز و تالوا  
 و لاجبارگی و درمانی از لوازم ماست ایست از همه برتر اند اگر مرده دفن شده  
 باشد نماز بر قبرش خواند و اگر در جامی مرد باشد کسی بر قبرش حاضر شده نمیتواند از دور  
 نمایند بر روی نماز خواند احادیث این رساله در مشکوٰه موجود اند فقط لکن  
 بَلِّغْ رِسَالَتَكَ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ **رَبِّهِمْ** غَفِیرٌ رَحِیمٌ **وَأَنْتَ خَبِیرٌ**

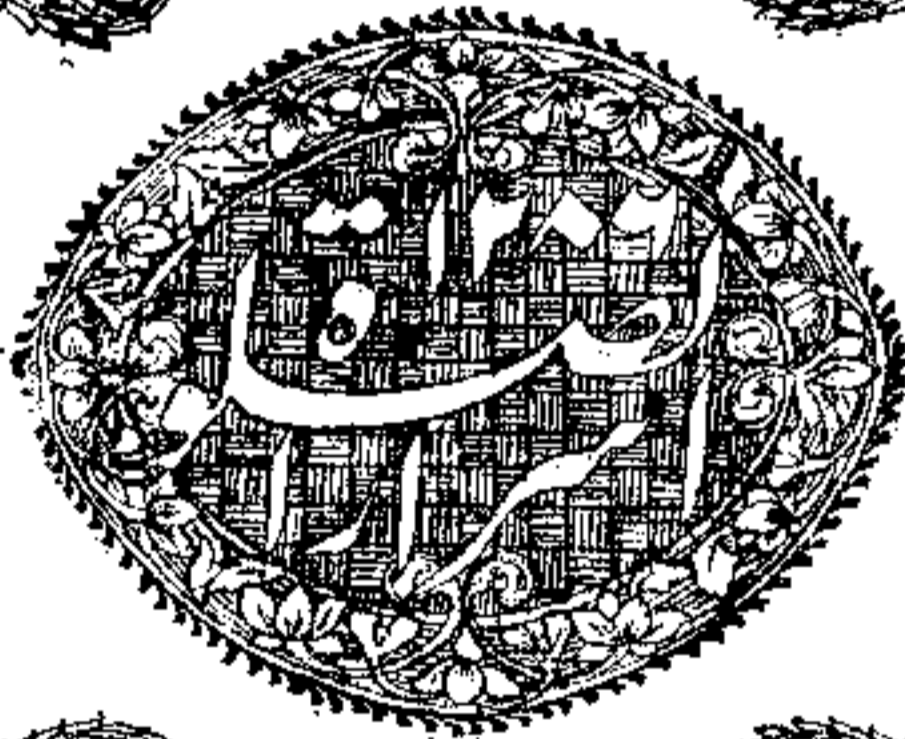
**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**

سنت مرخصه اندر اهل جلاله و حسان مریز و تعالی را علم نواله که درین آوان رساله  
**تیسیر الصلوة** که در ضروریات نماز در رفع قیود و لاطایله نمود و نظیر خود

ندارد اگر حوز جان مصلی گردد و جا دارد و اگر قبله جان  
 نمازی شود بجا اگر او صافش بر سر و خامه  
 آرد و آب بر یا بشت میبویست  
 سبوی زان

کرانی و اران دین رسول الله احمد جامی و عبد العزیز و فقیر المدیحه و شکیلا موزا

ما شاء الله لا قوة الا بالله



در مطبع نظامی افغان کابل مطبع کابل



اسی جہی میں کہ سلام برائی نام ہی اور سلمان ضعیف ایمان میں طاعت خدا کچھ علاقہ نہیں سب شغل دنیا اور غفلت اور تحصیل لذات خانی اور شہوت انہی کے کوئی کام نہیں خصوصاً اس ملک ہند میں بہت سلمان گنہگار ہیں پوچھتے ہیں کہ اگر لوگ غفلت اور کالی کے ساتھ رہتے ہیں تو کیا وہ کسی لذت اور کیفیت نہیں پاسے بلکہ صدق ان بایات کے ہوتے ہیں **قَوْلُ الْمُصَلِّينَ الَّذِينَ كُنْهُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ** یعنی میں خرابی ہو اور نماز میں کی کہ اپنی نماز سے بھر میں **وَإِذَا كُنُوا إِلَى الصَّلَاةِ فَأَمَّا كُنُوسًا** یعنی جب کھڑے ہوں نماز کو تو کھڑے ہوں جی یا کر باعث زندگی مردہ قلوب اور نہایت شوق طرف طاعت منقلب القلوب کے ہوا اور مرد و عورت کہ کچھ بھی سلیقہ حرف شناسی کار کھتا ہو اسے مستفید ہونے کے طرف نماز کے کہ افضل عبادت ہو مائل ہو اور اس کی کیفیت اور ہر اسے آگاہ ہو کہ لذت یا ہوس میں فقیر نے تحصیل امر اور میں کی کر کے اس امر خیر پر کمر باندھی اور اس سال کو چند روز میں مرتب کیا اور مضامین اسکے کتابوں میں سے انتخاب کر کے لکھا ہی تا عند اللہ مقبول اور عند الناس محبوب ہو اور کسی کو جای اعتراض باقی نہ رہتا اور نام اس کا **اسرار الصلوة رکھا اور جو کہ درستی ایمان اور عقائد اصل پر عمل کی ہو اور سب عبادات پر تقم** ہی لہذا پہلے تمہارا سا او سکو بھی بیان کیا اب ناظرین اس سال اور استغنیضین اس عبادت سے پاسید ہو کہ اگر اس میں بیضای **الانسان من الشهوة والنسيان** کے کہیں ہوا و زطا واقع ہوا و سکو اصلاح دیکر سپا دین اور مطابق اس آیت **يَكْرَهُ لَوْلَا يَغْتَابَ بَعْضُكُمُ بَعْضًا** کے یعنی ہر ایک دوسرے کو عمل فرمائیں اور اس فقیر کے حق میں دعا خیر کریں **اللهم اجعله لو جهلكم اكرم استجيب** **ولعمر الوكيل فصل** بیچ بیان عقائد حقہ کے جانا چاہیے کہ ذات باری تعالیٰ وہ ہر کوئی اور کاشک نہیں ہمیشہ واجب الوجود ہوا و سکو عدم نہیں جاگتا ہوا و سکو نیند نہیں ہمیشہ جی یعنی زندہ ہوا و سکو موت نہیں خیم یعنی سب کا تھامنے والا ہوا و سکا کوئی تھامنے والا نہیں جو ہر عرض اور حرکات و سکنات اور فعال عبادت کا خالق ہوا و سکا کوئی خالق نہیں سب شی پر قادر ہوا و سپر کوئی قادر نہیں سب اس کی طرف محتاج ہیں وہ کسی کا محتاج نہیں سب کا روزی دینے والا ہوا و سکو حاجت روزی کی نہیں سنا ہی ہر دن کان کے دیکھتا ہے بغیر انکھ کے کام کرنا ہی ہر دن جو راج یعنی ہاتھ پاؤں وغیرہ کے قدرت کھتا ہی سبے مددگار کے ارادہ



اسی جہی میں کہ اسلام پر ای نام ہی اور سلمان ضعیف ایمان میں طاعت خدا کچھ علاقہ نہیں سب شغل دنیا اور غفلت اور تحصیل لذات فانی اور شہوت افسی کے کوئی کام نہیں خصوصاً اس ملک ہند میں بہت مسلمان نااہلی نہیں ہوتے مگر لوگ غفلت اور کالی کے ساتھ بڑھتے ہیں تو کچھ دوسری لذت اور کیفیت نہیں پاسے بلکہ صفاق ان پائیکے ہوتے ہیں **قَوْلُ الْمُصَلِّينَ الَّذِينَ كُنْهُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ** یعنی پس خرابی کہ اوں نمازیوں کی کہ اپنی نماز سے بچ رہیں **وَإِذَا كَانُوا إِلَى الصَّلَاةِ كَانُوا كَسَالًا** یعنی جب کھڑے ہوں نماز کو تو کھڑے ہوں جیسا کہ باعث مذکورہ غول و ذہانت شوق طرف طاعت مقلد القلوب کے ہوا اور ہر مرد و عورت کچھ بھی سلیقہ خرف شناسی کار کھتا ہو اسے مستفید ہونے کے طرف نماز کے کفضل عبادت ہو مائل ہو اور اسکی کیفیت اور ہر اسے آگاہ ہو کے لذت یاب ہو پس اس فقیر نے تحصیل امر اور ہر مہم کی کر کے اس امر خیر پر کمر باندھی اور اس سال کو چند روز میں مرتب کیا اور مضامین اسکے کتابوں میں سے انتخاب کر کے لکھا ہی تا عند اللہ مقبول اور عند الناس محبوب ہوا کہ سیکو جایا اعتراض باقی نہ رہے اور نام اسکا **اسرار الصلوٰۃ** رکھا اور جو کہ درستی ایمان اور عقائد اصل ہر عمل کی ہے اور سب عبادات پر تقسیم ہی لکھ لیسے تھوڑا سا اور سکو بھی بیان کیا اب تا ظہر میں اس سالہ اور استغنیٰ میں اس عبارت سے یہ امید ہو کہ اگر اس میں بمقتضای الکائنات **مَنْ كَفَرَ مِنَ اللَّهِ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَاللَّهُ يَكْفُرْ بِهِ** کے کہیں ہوا اور خطا واقع ہوا اور سکو اصلاح دیکر چھاپدین اور مطابق اس آیت **يَكْفُرْ بِهِ لَا يَتَّبِعُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا** اور سکو عمل فرمائیں اور اس فقیر کے حق میں دعا خیر کریں **اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَوْ جَهَلْتُ الْكَرِيمِ اسْتَجِبْ** **وَلَعَلَّ الْوَكِيلِ** **فصل** بیچ بیان عقائد خدا کے جانا چاہیے کہ ذات باری تعالیٰ وہ ہے کوئی کاوش نہیں ہمیشہ واجب الوجود ہے اور سکو عدم نہیں جاگتا ہے اور سکو نیند نہیں ہمیشہ ہی زندہ ہے اور سکو موت نہیں قیوم یعنی سب کا تھامنے والا ہے اور سکا کوئی تھامنے والا نہیں جو ہر عرض اور حرکات و سکنات اور فعال عبادت کا خالق ہے اور سکا کوئی خالق نہیں سب شے پر قادر ہے اور ہر کوئی قادر نہیں سب اسکی طرف محتاج ہیں وہ کسی کا محتاج نہیں سب کا روزی دینے والا ہے اور سکو حاجت روزی کی نہیں سب سہا ہے ہر کان کے دیکھنے اور بجزیرہ کے کام کرتا ہے ہر جان جو روح یعنی ہاتھ پاؤں وغیرہ کے قدرت کھتا ہے سب مددگار کے ارادہ

رکھتا ہے بدون دل کے سب چیز کا علم رکھتا ہے بغیر جو اس کے کلام کرتا ہے بے آواز اور صرف اور زبان کے  
 پاک ہے جسم اور جہر اور عرض اہوا وہ اور صورت اور زبان اور مکان سے مالک ہے بے نیاز قادر ہے کار ساز  
 کردگار ہے بچوں پروردگار ہے بے شبہ و شکون جو چاہے سو کرے جسکو چاہے ہارے جسکو چاہے  
 جلا دے جسکو چاہے غنی کرے جسکو چاہے محتاج کرے جسکو چاہے عزت دے جسکو چاہے ذلت دے  
 کوئی اور کچھ نہیں والا نہیں ہے سب کا پوجنے والا ہے ذات اور صفات اور صفت بدیم ہے اور کی ابتدا ہے نہ  
 ہی نہ کھاتا ہے نہ پیتا ہے نہ چلتا ہے نہ کھڑا ہے نہ بیٹھا ہے نہ لیٹا ہے نہ جنتا ہے نہ جاگتا ہے نہ جورتا ہے نہ اولاد  
 اور برادری رکھتا ہے یعنی خواص شہریہ اور حوائیہ اور کل مخلوق سے مطلقا برابر ہے یا دشاہ ہے بلا اور بربر کی  
 بلا مشیر اور کوئی چیز اور سپر جب نہیں چاہے گناہ کبیرہ تو نہ نختے چاہے صغیرہ پر عذاب کرے  
 اور کی حق ہے خالق یعنی اور ربی کا ہی نیکی سے رضی ہی بدی سے راضی نہیں نہ شتے اور کے حسن  
 میں مرد میں عورت میں کھاتے ہیں شہیتے ہیں مہربان شہوت اور غضب کے مصدوم ہیں گناہوں  
 سے سب کام کرتے ہیں اللہ کے حکم سے اور اور کی نافرمانی نہیں کرتے اور نکاحا سوا خدا کے  
 کوئی نہیں جانتا ہے بہت عبادت میں مشغول ہیں بہت کارخانہ لگوں یعنی نظام عالم پر مقرر ہیں  
 بہت سورت شریع یعنی اہتمام شریع پر معین ہیں چارادون میں بہت مغرب ہیں اول حضرت کے افضل  
 علیہ السلام کہ اجراء حکام کا لوح محفوظ سے کرتے ہیں اور صورت چھوٹے کیوں ہے یہ معین ہیں اور  
 حضرت میکائیل علیہ السلام کہ ارب و باد اور رزق سانی پر مول ہیں تیسرے حضرت جبرئیل علیہ السلام  
 وہ سب پونہما نے حکام بانی کے طرف انبیاء کے مقرر ہیں چوتھے حضرت زکریا علیہ السلام کہ  
 قبض ارواح کے متعین ہیں اور انبیاء کے سب حق میں اول سے حضرت آدم علیہ السلام اور  
 آخر اور افضل سے حضرت محمد رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم ہیں بعض حدیثوں میں آیا ہے کہ ایک لاکھ چوبیس  
 ہزار اور جنسوں میں دلا کہ جو بیس ہزار انبیاء ہوسے ہیں لیکن اولی یہی کہ عدد میں نخص کر کے  
 ایمان لائے سب انبیاء پر اور انبیاء سب مصدوم ہیں گناہ صغیرہ اور کبیرہ سے معراج رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم کی  
 مسجد قصی تک ثابت ہے قرآن مجید سے اور آسمان دنیا تک خبر مشہور ہے اور آسمانوں تک احادیث سے پہلی

یعنی  
 سب سے بڑا ہے  
 اور سب سے  
 افضل ہے  
 اور سب سے  
 افضل ہے



منکر کافر دوسری کا منکر بدعتی گمراہ تیسری کا منکر فاسق و افساق حضرت کے فضل و میوں کے ہیں بعد انبیا  
 علیہم السلام کے اور سب دل سے اور سب میں افضل جا پار میں چلے حضرت ابو بکر صدیق رضی اللہ تعالیٰ عنہ  
 پھر حضرت عمر فاروق رضی اللہ عنہ تیسرے حضرت عثمان غنی رضی اللہ عنہ چوتھے حضرت علی رضی اللہ عنہ  
 یہ چاروں خلفہ رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم کی ہیں ان سے عداوت موجب شقاوت اورین اور محبت باعث سعادت  
 کو نہیں ہے اور جو کچھ کہ آپس میں اصحاب کے جھگڑا ہوا اور کسی بحث میں زبان روکنا چاہیے اور کسی سے بغض رکھنا  
 چاہیے اور کسی کو برا نہ کہنا چاہیے اور محبت اپنی عظام کی جب ہی خصوصاً حضرت فاطمہ رضی اللہ تعالیٰ  
 عنہا اور حضرت امام حسن اور حضرت امام حسین رضی اللہ تعالیٰ عنہما اور ان کی اولاد اور انزل ج مہرکت کے نہایت  
 ہوت کرنا چاہیے کہ بغض ان سے موجب نقصان ایمان اور کمزوری ان سے باعث خسارن ہر دو جہان ہی  
 کتابین آسمانی کہ پیغمبرین پر نازل ہوئی ہیں سب حق ہیں تو بہت حضرت موسیٰ پر اور حضرت داؤد پر اور  
 حضرت عیسیٰ پر قرآن مجید حضرت محمد رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم پر اور صحیفے یعنی بیجاں حضرت شیش  
 پر اور تیس حضرت دریں پر اور دس حضرت آدم پر اور دس حضرت ابراہیم پر اور ایک ہے ایت میں تیس  
 حضرت ابراہیم پر نازل ہوئے اور سوال منکر کبیر اور عذاب قبر کا واسطے کفار اور منافقین اور بعض  
 گنہگار مسلمانوں کے حق ہی یعنی منکر کبیر قبر میں مرد بکوا و تھا کر سوال کرتے ہیں سب تیرا کون  
 ہے رسول تیرا کون ہے دین تیرا کیا ہے اگر اس سے جواب معقول دیا یعنی رب میرا اللہ ہی رسول میرا محمد  
 صلی اللہ علیہ وسلم ہیں دین میرا اسلام ہے تو فرشتے فرشتے بہشتی اور سکے وہ سب سمجھاتے ہیں اور مثل  
 دو لہجے کے سولانے ہیں اور قبر کشادہ ہو جاتی ہے اور اگر اس سے جواب معقول نہ دیا بہت عذاب  
 کرتے ہیں اور گرز آتشیں مارنے ہیں اور آتنا قیامت کا اور ظور نشانی قیامت کے پہلے سے  
 یعنی پیدا ہونا حضرت امام مہدی کا اور خروج دجال کا اور نزول حضرت عیسیٰ اور قتل دجال اور خروج یاجوج  
 اور ماجوج اور دابۃ الارض اور آتنا عذاب خان کا اور طلوع آفتاب کا اور سرب اور بند ہونا اور واژہ توبہ کا  
 اور خست نبی دھسننا زمین کا اور گھیر لانا لگ کا تمام آدمیوں کو تک نام میں سب حق ہے اور جیسا  
 آدلی ہر چہ چون کا جائیگا سب لوگ مر جائیں گے آسمان اور ستارے سب ٹوٹ پڑیں گے بیان تک سب

چیز نما ہو جائیگی سوای ذات جناب باری کے کچھ باقی نہ رہیگا کل شیخ <sup>ع</sup> **ہا لک** کا معنی ہے یعنی ہر چیز فنا ہو کر اوسکی ذات بعد اوسکے پھر پھر ہوگا جائیگا اور حق تعالیٰ سبکو زندہ کرے گا اور ہر ایک کا حساب دے گا کہ کیا اور نامہ اعمال تو لیگا جو لوگ کفار اور شرک اور منافق ہیں اوزکو دخل دوزخ کرے گا پھر نہ کجا لیگے کبھی اور جو مسلمان ہیں اور ایسے عمل کیے ہیں اوزکو بہشت میں داخل کرے گا اور ہمیشہ اوسمیں رہیں دارم ساتھ رکھیگا اور جو مسلمان گنہگار کہے تو ہر سے ہیں اوزکو بھی بعد سزای اعمال کے دوزخ نکال کر بہشت میں داخل کرے گا اور کوئی اہل ایمان ہمیشہ دوزخ میں نہ رہیگا اور مسلمان گناہ کبیرہ سے ایمان سے خارج نہیں ہوتا اور حوض کوثر اور شفاعت انبیاء اور اولیاء اور صلحا کی وسعت گنہگاروں کے اور بل صراط کار کھنا دوزخ برحق ہے اور بہشت میں جو اور قصور اور خیرہ ایک ایک معنی کا اور باغات اور زمین اور سب طرح کا عیش اور آرام اور دیدار خدا کا ہونا اور دوزخ میں آگ اور سناپ اور پھوپھ اور گرم بانی اور پیلا اور ہوا اور برہو اور سب قسم کا عذاب جیسا قرآن اور حدیث میں آ رہا ہو ہر سب حق ہے ایسا کافر کا وقت مرنے اور دیکھنے عذاب غیب کے مقبول نہیں اور کرامات اولیاء کی حق ہے اور کوئی علی مرتضیٰ انبیا کو نہیں پہنچ سکتا ہے اور رسول شہر افضل میں سول ملائکہ سے اور رسول ملائکہ افضل میں جا رہے اور عالم شہر افضل میں عالم ملائکہ سے اور جو کوئی نسبت کے حق میں عا کر یا ہی با ثواب عبادت کا بخشنا ہے ان دنوں کا نفع اوزکو پہنچتا ہے اور نماز ہر مسلمان نیک را اور بر کار کے ہتھے جائز ہوتی ہے اہل قبلہ کو کافر نہ کہنا چاہی اور جلال جاننا گناہ کا اور منہنا امور شرعیہ پر اور کہنا الفاظ کفر کے گوئسی سے ہو کفر ہے اور خدا کے ٹر ہونا اور نامہ اعمال دنوں کفر پہنچ ایمان ہر میان خوف رہا کے ہے یہ عقابہ میں اہل حق کے حق تعالیٰ انھیں عقیقہ کے ساتھ خاتمہ اس فقیر کا اور سب مسلمانوں کا کہ آئین یارب العالمین <sup>صلی اللہ علیہ وسلم</sup> **فیصل** بیان اصطلاحات فقہیہ میں جانا چاہیے کہ فرض اوسکو کہتے ہیں جسکا ترک منع ہو اور کرنا اوسکا دلیل قطعی سے ثابت ہو اور حکم اوسکا یہ ہے کہ تارک اوسکا ذاتی اور مستحق عذاب سخت کا ہے اور منکر اوسکا کافر مثال اولیٰ جیسے نماز پنجگونی اور واجب اوسکو کہتے ہیں کہ ترک اوسکا منع ہو اور کرنا اوسکا دلیل قطعی سے ثابت ہو اور منکر اوسکا کافر نہیں ہے اور تارک اوسکا فاسق و گنہگار مثال اولیٰ جیسے نماز وتر کی ہے اور سنت ہے جسکو حضرت سول خدا صلی اللہ علیہ وسلم نے

بیان اصطلاحات فقہیہ

فرمایا ہو یا کیا ہو یا اس کے احکام کے کیا یا کیا ہو اور وہ دو قسم ہیں پہلی اور سنن نہوائے سنن ہری وہ  
 ہے کہ عبادات میں سنن ہر سنن نہوائے وہ ہے کہ عادات غیرہ میں شروع ہو جیسے آداب کھانے پینے  
 کے پھر سنن ہری دو قسم ہے ایک گدہ وہ ہے کہ حضرت بلہ ہمیشہ اور نفل کہ کیا ہے اور کبھی ترک بھی کیا ہے  
 حکم ہکا یہ ہے کہ تارک اور سکا ستم عذاب الہی کا ہے جیسے سنت ظہر وغیرہ کی ہے دو قسم ہے مستحب ہے کہ  
 گاہے اور سکو گیا ہے اور اکثر ترک کیا ہے اور اس کے کرنا کو ثواب ہے تارک پر کبھی عذاب نہیں جیسے سنت عصر  
 کی ہے اور نفل اور سکو کہتے ہیں کہ جس کے کرنا کی اجازت شارع کی طرف سے بلا تعین زمان اور مکان اور مقدار کے ہو اور  
 اس کے فاعل کو ثواب ہے اور تارک کو کچھ گناہ نہیں اور بعض فقہا سوائے نفل اور وہ جب کے سب کو نفل کہتے ہیں  
 تباح اور سکو کہتے ہیں کہ شارع نے نہ اور سکا حکم کیا ہے نہ منع کیا ہے نہ او میں ثواب ہے نہ عذاب ہے منکر نفل کا  
 کافر ہے اور منکر وہ ہے کہ بدعتی گمراہ اور حرام اور سکو کہتے ہیں کہ جس کا کرنا منع ہو اور کرنا اور سکا دلیل یقینی سے ہے  
 ہو اور کرنا اور سکا فاسق منکر عذاب سخت کا ہے اور منکر اور سکا کافر ہے اور منکر و تحریمی اور سکو کہتے ہیں کہ جس کا  
 کرنا منع ہو اور کرنا دلیل ظنی سے ثابت ہو اور فاعل اور سکا ستم عذاب کا ہے اور منکر اور سکا فاسق ہے اور جو کدوہ  
 فریب حرام سے ہو اسے کدوہ تحریمی کہتے ہیں اور جو حلال سے فریب ہو اسے کدوہ تحریمی کہتے ہیں اور  
 مطلق کدوہ سے مراد کدوہ تحریمی ہوتی ہے اور منکر اور سکو کہتے ہیں جو عمل شروع کو فاسد کر دینے اور  
 مرتکب اور سکا عذاب ستم عقاب کا ہے اور دلائل شرعیہ چار ہیں کتاب اور سنت اور جماع اور قیاس کتاب  
 مراد قرآن شریف ہے اور سنت مراد حدیث ہے اور جماع یہ کہ متفق ہونے ہوں سب صحابہ یا تابعین یا ایسے  
 مجتہدین کسی امر کے فعل یا ترک پر قیاس یہ کہ کمالین ایسے مجتہدین مسائل کو قرآن اور حدیث کسی امر کے  
 اور ایسے مجتہدین کہ جس کا مذہب راجح ہے چار ہیں پہلے حضرت امام عظیم نعمان بن ثابت ابو حنیفہ کوئی اور  
 ان کے پیرو کو حنفی کہتے ہیں دوسرے حضرت امام محمد ادریس شافعی رحمہ اللہ کے پیرو کو شافعی کہتے ہیں  
 تیسرے حضرت امام مالک رحمہ اللہ کے پیرو کو مالکی کہتے ہیں چوتھے حضرت امام احمد بن محمد بن حنبل  
 رحمہ اللہ کے پیرو کو حنبلی کہتے ہیں یہ چاروں مذہب حق ہیں اور کچھ مظلومین چاروں امام کے مذہب کے  
 لوگ ہیں اور چاروں مصلحہ حرم شریف میں ہیں اور چاروں کے عقائد میں کچھ خلاف نہیں ہے اور

نہاں فقہان  
 اور سنن ہری  
 اور نفل  
 اور سکو  
 اور تارک  
 اور سکا  
 اور منکر  
 اور سکا  
 اور فاسق  
 اور حرام  
 اور حلال  
 اور جماع  
 اور قیاس  
 اور کتاب  
 اور سنت  
 اور حدیث  
 اور مجتہدین  
 اور کمالین  
 اور حنفی  
 اور شافعی  
 اور مالکی  
 اور حنبلی  
 اور مظلومین  
 اور حرم شریف  
 اور مصلحہ